

اعتصاب کارگران کشت و صنعت لرستان علیه

شرایط جدید کارفرما



مزدک کوهکن / فروردین ۱۴۰۱

مجموع بزرگ کشت و صنعت لرستان اعلام داشته است که حتی حاضر به پرداخت دستمزدهای بسیار نازل و عمیقاً محقر مصوب دولت درنده سرمایه داری به کارگران هم نمی باشد. سرمایه دار شرکت تصریح کرده است و به اطلاع تمامی کارگران رسانده است که سطح مزدها را خودش تعیین خواهد کرد، مقدار آن به گونه فاحشی از آنچه نهاد دولتی ضد کارگری موسوم به «شورای عالی کار» اعلام کرده است پائین تر خواهد بود. همه کارگران باید بدون هیچ قید و شرط باید قبول کنند، در غیر این صورت قرارداد کار آنان حتی برای یک روز تمدید نخواهد گردید. تصمیم جنایتکارانه سرمایه دارها و کارگش شرکت، موج قهر کارگران را به دنبال آورده است. آنها بلادرنگ دست از کار کشیده و چرخ تولید را از چرخش باز داشته اند. کارگران تأکید کرده اند که تا الغاء کامل تصمیم کارفرما و تمدید قرارداد کار همه همزنجیران، به اعتصاب ادامه می دهند. آحاد کارگران در اجتماع خود فریاد سر دادند که مزد مصوبه دولت سرمایه هم به دلیل سطح بسیار نازل و حقارت آمیزش مورد انزجار و اعتراض گسترده آنان بوده است و حال سرمایه دار سفاک شرکت حاضر به پرداخت همان دستمزد محقر نیز نیست.

کارفرما بر اجرای حکم خود اصرار دارد. او تهدید نموده است که همه را اخراج خواهد کرد و از طریق شرکت های پیمانکاری آدم فروش، کارگرانی با مزد پائین تر را احضار و مورد استثمار وحشیانه تر قرار خواهد داد. توده کارگر کشت و صنعت لرستان در این جدال از همه همزنجیران می خواهد که به حمایت عملی از آنها برخیزند. همه جا علیه این جنایت فریاد اعتراض سر دهند و برای مجبور ساختن کارفرما به عقب نشینی آماده اعتصاب و تعطیل کار شوند. آنچه این کارگران می خواهند نیاز مبرم و قهری کل دهها میلیون کارگر ایرانی و کل کارگران دنیا است. سرمایه داران تمامی زرادخانه های قدرت را در اختیار دارند، دولت، پارلمان، ارتش، سپاه، پلیس، بسیج، سازمان های مخوف اطلاعاتی و امنیتی، حوزه های علمیه، ولایت فقیه، عظیم ترین شبکه های شستشوی مغزی انسانها، کهکشان سرمایه ها، قانون، نظم، قرار و مقررات پاسدار سودافزایی پر خروش این سرمایه ها، همه و همه را دارند، توده های کارگر اگر قصد مسخره کردن خود را ندارند، اگر خود را انسان و دارای حق انسانی می دانند، اگر قرار است انسان های جدی و

واقعی باشند، اگر گرسنگی و فلاکت و فقر مولود نظام سرمایه داری را امر مقدر و محتوم زندگی خویش نمی بینند، اگر اعتصاب و مبارزه رانه مصداق «کاچی بهتر از هیچی» یا امر «باری به هر جهت» بلکه ابزار اعمال قدرت می بینند پس باید راه درست این اعمال قدرت را هم جستجو کنند، طریق پیروزمندی این نمایش قدرت را هم تعمق نمایند و پیدا کنند، باید از خود پرسند که چرا در همین جهنم سرمایه داری ایران هر سال چندین هزار اعتصاب بزرگ و کوچک سازمان می دهند اما هیچ نتیجه ای نمی گیرند. چرا نسل بعد از نسل مبارزه کرده اند اما هر روزشان از روز قبل بدتر گردیده است. کارگران باید بدانند که قادر به خلاصی خویش از نیاز مبرم و حیاتی یافتن پاسخ این پرسش ها نیستند. تاریخ در بند، بند خود بر سر آنها فریاد می زند که باید این سؤالات را اخطارهای سرکش مرگ و زندگی بینند، با سلول، سلول وجود خویش به جستجوی پاسخ ها پردازند و پاسخ ما به عنوان عده ای همزنجیر به این پرسشهای اساسی حیاتی آنست که اعتصابات محقر و گسیخته محصور در چهاردیواری مراکز کار، بگو، مگوهای بی پژواک با این و آن کارفرما علاج هیچ دردی نیست. باید یک قدرت سازمان یافته، سراسری، شورائی و ضد سرمایه داری شد. باید دست ها را به سوی هم دراز کرد و فشرد. قدرت ما از قدرت طبقه سرمایه دار افزون است باید این قدرت را متحد، متشکل، آگاه، شورائی و سرمایه ستیز وارد میدان بیکار ساخت. این کار ممکن است، حتما ممکن است، هزینه دارد اما به طور واقعی کم هزینه ترین راه است. نه فقط اتویی نیست که جنگ زمینی با کل اتویی پردازی های شوم و گمراه کننده نسخه پیچی شده سرمایه و طبقه سرمایه دار است. با هم به مشورت بنشینیم، در خانه های همدیگر را بکوبیم، حصارهای فرساینده و کاهنده ای را که سرمایه بر گرد شعور و شناخت ما کشیده است فروریزیم، عزیمت از زندگی تقدیرآمیز کارگر بودن و همیشه کارگر ماندن را دور اندازیم، ما می توانیم و یقینا می توانیم که به جای مزد مصوب شورای عالی کار، به جای مزد بیشتر، خواستار تسلط بر تمامی محصول کار و تولید و زندگی خود شویم. برای این کار باید یک قدرت شورائی سازمان یافته ضد سرمایه داری گردیم.

